

روزی که زن شدم ...

به قلم سارا سپهری



رواج یک فرهنگ تبعیض آمیز علیه زنان، نه حاصل یک نظام طبیعی و نه مبتنی بر زیست شناسی، بلکه نتیجه قوانین نابرابر وضع شده است.

وضعیت زنان در هر کشوری شاخص ارزیابی پیشرفت و تکامل آن جامعه محسوب می شود. میزان مشارکت زنان در ارگانهای تصمیم گیری جامعه، پارلمانها، مدیریت سازمانها و دستگاههای سیاسی، اقتصادی و میزان اشتغال آنها و مشارکت در بازار کار، از شاخصهای مهم ارزیابی به شمار میروند.

شاخصهایی که نشان فاصله گرفتن هر جامعه از اندیشه و فرهنگ عقب مانده مردسالاری میباشند، که از قرون وسطی تا به امروز ادامه داشته و در هر مرحله از تاریخ لباس دیگری به تن کرده است.

اما بشر در دنیای امروزه گامی کیفی در تمامی عرصه های علم و پیشرفت بشریت برداشته است و این روند تکاملی نیازمند یک اندیشه عاری از تبعیض و هر گونه عقب ماندگی در جامعه میباشند.

با وجود تمامی پیشرفتهایی که زنان در دهه های اخیر کرده اند، و با وجود اینکه برابری و عدالت دغدغه اصلی عصر ما بوده و هست، متأسفانه جامعه کنونی ما نه تنها در این زمینه میدانی را برای زنان و پیشرفت آنها در امر جامعه فراهم نکرده است، بلکه با نادیده گرفتن حقوق انسانی زنان و بن بست های قانونی و قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در جامعه، و با تصویب قوانین ناعادلانه بر علیه زنان، عرصه را به طور قانونی بر زنان تنگ کرده که هر بار با بهانه های واهی اقدام به دستگیری زنان فعال و آزاده میکند تا شاید بتواند مانع از بکارگیری این انرژی بیکران نهفته در زنان شود و آنان را به انفعال بکشاند. همچنان که طی ماه های اخیر تعداد زیادی از زنان توسط دادگاه انقلاب دستگیر و یا احضار شده اند و با وثیقه های سنگین آزاد شده اند.

اگر با یک نگاه منصفانه به آمار دستگیری زنان فعال جنبشها و احضار کردن آنها به بهانه های مختلف و گذاشتن وثیقه های سنگین برای این افراد نگاه کنیم، باید به این سوال پاسخ داد که مگر زنان در این مرحله از تاریخ چه چیزی میخواهند، جز آزادی و بدست آوردن جایگاه اصلی و تاریخیشان؟

هر چند که زنان ایران بارها و بارها و به شیوه های مختلف اعتراض خود را نسبت به قوانین تحقیر آمیز و تبعیض جنسی اعلام کرده اند، اما نه تنها این مطالبات بی پاسخ ماند، بلکه با اتهامات و احکامی همچون زندان و ... به همراه بود.

تبعیض جنسی به معنای اعمال و رفتار و ایدئولوژی هایی که زنان را فرودست تر و کم ارزشتر از مردان دیده و این اندیشه تبعیض آمیز در ردیف بدترین مصیبت هایی هستند که مایه رنج و محرومیت بشر و پیشرفت جامعه میشوند.

در این تبعیض این تنها زنان نیستند که از یک دستگاه عقب افتاده و کهنه رنج میبرند، چرا که این دیدگاه یک فرهنگی را در کل جامعه نهادینه میکند که تمام جوامع ذخیره ای عظیم از توانایی های فکری و انسانی را که در اثر این تفکر نادیده گرفته شده است از دست میدهد.

رواج یک فرهنگ تبعیض آمیز علیه زنان، نه حاصل یک نظام طبیعی و نه مبتنی بر زیست شناسی، بلکه نتیجه رفتار اجتماعی نادرست و عقب مانده با زنان است .

اما آنچه که امروز مرا بر آن داشت که چند خطی درمورد رنجهایی که مادرانمان کشیدند و ما میکشیم فقط به این گناه که زن هستیم بنویسم این باور بود که هر چند درد نابرابری و تحقیر جایگاه اصلی ما زنان در جامعه را پایمال میکند، هر چند که حقوق و آزادی های فردی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی ما را زیر پا میگذارد، اما با تلاش و کوشش تمامی زنان است که میتوان به جایگاه اصلی و انسانی خود در یک جامعه دست یافت. جامعه ای که زن یا مرد بودن معیار سنجش خوب و بد نباشد و همه با هم برابر باشند و ما به جرم زن بودن مجبور به تحمل تحقیرها از جانب دولت بر مسند نباشیم و هر زن و مرد و انسان شرافتمندی قابلیت و توانایی خودش را ارائه دهد.

انجمن دفاع از کارگران و بیکاران